صفحه‌آرا: مجید اصغری

اصل ماجرا

ترامپ، استاد طرح‌های دودشده

وزارتخانه‌ای که قرار بود ویترین دولت کوچک ترامپ باشد، پیش از آنکه کارنامه‌ای رو کند، بی‌صدا دود شد و هوا رفت. وزارت کارآمدی که با رهبری ایلان ماسک شروع به‌کار کرده بود، دور از چشم افکار عمومی منحل شد، آن‌هم بدون هیچ گزارش عملکـرد، بیانیه و حتی توضیحی از سـوی دولت. اعضای کلیدی این نهاد هم در نقش‌های جدیدی پراکنده شـده‌اند. اما این فقط وزارت کارآمدی دولت ترامپ نیست که با سروصدا آغاز شـد و بی‌صدا به پایان رسید. بسیاری از مهم‌ترین وعده‌های دولت ترامپ یا بدون خروجی رسمی رها شدند یا هیچ‌گاه به مرحله اجرا نرسیدند، از جمله:

■ طـرح زیرسـاختی «یک‌تریلیـون دلاری» بدون حتی یک‌لایحه مشخص
■ وعده ایجاد سیسـتم جایگزین بـرای اوباماکر که هرگز ارائه نشد.
■ برنامه بلندپروازانه بازگشت به‌ماه تا ۲۰۲۴ که متوقف ماند.
■ طرح کاهش بدنـه اداری دولت فدرال که در حد شـعار باقی ماند.
■ کاهش فوری قیمـت مواد غذایی و بنزیـن که در عوض افزایش ۱۱ درصدی به‌دنبال داشت.
■ حذف مالیات از انعام، اضافه‌کاری و مزایای تامین اجتماعی که هیچ لایحه‌ای درباره آن به کنگره نرفت.
■ اخراج انبوه ۱۰ تا ۲۰ میلیون مهاجر غیرقانونی که درنهایت تنها ۸ هزار نفر اخراج شدند.
■ تکمیل دیوار مرزی با پول مکزیک که بـا بودجه آمریکا نیمه‌کاره ماند.
■ پایان جنگ اوکراین در ۲۴ ساعت که همچنان ادامه دارد.

طلای سودان در برج‌های دوبی

طلاهایی که از مناطق جنگ‌زده سودان استخراج می‌شوند، با عبور از مسیرهای پنهانی میان قاچاقچیان و گروه‌های مسلح واسطه دست‌به‌دست می‌شـوند تا درنهایت به برج‌های دوبی برسند. کرادل نوشـته امارات به مقصد اصلی صادرات طلای سودان تبدیل شده و سـالانه حدود ۱۶ میلیارد دلار طلا وارد می‌کند که تنها نیمی از آن به‌صورت قانونـی ثبت و مابقی از مسیرهای موازی وارد بازار می‌شود. گفته شده بااین‌حال بخش بزرگی از طلای استخراج‌شـده از کوه‌های جَبَل عامر در شهر الفاشر سودان درنهایت توسـط شرکت‌ها و شبکه‌های تجاری وابسته به امارات خریداری و مدیریت می‌شود.

تحقیقات رویترز نشـان می‌دهد که امارات در یک سـال ۴۴۶ تن طلا از ۴۶ کشور آفریقایی وارد کرده است که ارزش آن حدود ۱۵.۱ میلیارد دلار اسـت. اما چرا امارات به طلای آفریقا نیاز دارد؟

■ منابع داخلی محدود
■ بهره‌گیری از صنایع پالایش و زیرساخت‌های تجاری گسترده
■ تلاش برای کسب نفوذ سیاسی در قاره آفریقا

میشل اوباما: مردم آمریکا هنوز به بلوغ سیاسی کافی نرسیده‌اند

میشـل اوباما، همسـر باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشـین آمریـکا، در گفت‌وگویـی صریح اعـلام کرد که کشـورش هنوز برای داشـتن یک رئیس‌جمهور زن آمادگی لازم را ندارد و آمریکا باید مسیری طولانی برای رسیدن به سطحی از بلوغ سیاسی طی کند. / رویترز

خبرهایی که نمی‌بینید

شکست جاسوسان غربی برای جذب دیپلمات‌های روسی

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسـیه در جدیدترین موضع‌گیری خود ضمن انتقاد شدید از رفتار کشورهای غربی، افشـا کرد کـه تاکنـون سـازمان‌های اطلاعاتـی و امنیتـی آمریکایـی و غربی بارهـا تـلاش کرده‌اند که دیپلمات‌های روس را جذب عملیات جاسوسی کنند، اما ناکام مانده‌اند./ اسپوتنیک

بهشت مسجد و پایگاه بسیج

رفتن به مسجد و پایگاه برای نسل ما یک خاطره فراموش‌ناشدنی است

۱ ادامه از صفحه اول

یک‌بار یک ماشین موزائیک رسـیده بود، ما داشـتیم دسته‌جمعی می‌رفتیم نمازجمعه. حاج‌آقا حیدریان گفت حقوق یک کارگر روزمـزد را می‌دهم برای تخلیه موزائیک‌ها؛ معامله شیرینی بود. بی‌خیال نمازجمعه شـدیم و تا غروب کار را جمع کردیم. ۱۵-۱۰ نفری دستمزدها را گرفتیم.

برای یک نوجوان پول زیادی بود ولی می‌دانستیم این تنها پولی اسـت که می‌توانیم با آن کلی کار فرهنگی انجام دهیم. با اشـتیاق تحویل تدارکات پایگاه دادیم و با رضایت کامل با لباس‌های داغون و دست‌های تاول‌زده و صورت‌های از گرما سرخ‌شده رفتیم خانه، ولی دلمان پایگاه بود و جسممان خانه.

پایگاه سیل‌زده

هرسال سیل می‌آمد؛ البته آن‌روزها اسمش سیل نبود. با آب زیادی کنار می‌آمدیم و امری طبیعی به‌حساب می‌آمد که همیشه چند روزی محله‌ها زیر آب باشد و کسی هم شکایتی نداشت، اما پایگاه نباید تعطیل می‌شد.

از روی دیوار مدرسه فرار می‌کردیم و از دل کارخانه تعطیل‌شده خودمان را می‌رسـاندیم پایگاه. آن روزها سـیل محوطه پایگاه را پر از آب کرده بود و حسابی آب راکد و پر از قورباغه شده بود و نمی‌شد در پایگاه کار کرد.

تصمیم گرفته بودیم خودمان از بیابان جلوی پایگاه خاک بریزیم تا سطح پایگاه را بالا بیاوریم و موضوع را حل کنیم.

یک فورغون داشتیم و چند بیل خراب ولی شوق بازشدن پایگاه، اینها را تبدیل کرده بود به بهترین لودر و کمپرسی. باید در زمان مدرسه کار می‌کردیم تا پدر و مادرها متوجه نشوند و شب‌ها دوباره بتوانیم برویم مسجد. کار سختی بود ولی خوش بودیم به دور هم بودن و کار کردن و تلاش کردن برای رسیدن به یک هدف مشترک.

کمک به جبهه

هفته‌ای چندبار نیسان آبی حوزه را قرض می‌کردیم و با بلندگو در محل می‌چرخیدیم و کمک به جبهه جمع می‌کردیم. صدای خوش حاج‌صادق آهنگران که پخش می‌شد، در خانه رویمان باز می‌شد؛ چند شیشـه مربا و ترشـی خانگی، تعدادی بافتنی و مقداری وسایل شوینده می‌گرفتیم.

رفتیم از محله کم‌بضاعت ولی مهربان و سخاوتمند کوی شهید باهنر اهواز کمک جمع کردیم؛ آن هم از رزق حلال اهالی محل که خدا می‌داند چه اثری در روح‌وجان رزمندگان می‌گذاشت.

جمع‌آوری کمک از محله‌ای که تعدادی از مردانش در جبهه و برخی شهید و جانباز و مابقی در پشت جبهه مشغول کمک بودند و ماهی چندبار بمباران و حمله هوایی را تجربه می‌کـرد، روایتی زمینی نیست.

شاید به ذهن می‌رسید همین که در اهواز مانده‌اند و مهاجرت نکرده‌اند، سهم خودشان را در جنگ ادا کرده‌اند، اما انگار خودشان را بدهکار امام و انقلاب می‌دیدند و با دل جـان پـای کار بودند تا نقش بیشتری داشته باشند.

مادرانمان که برای فراهم کردن غذای خانه‌ها باید کلی صرفه‌جویی می‌کردند از همـان حبوبات و سبزی و... خانه‌ها روی هم می‌گذاشتند و می‌آوردند در حیاط مدرسه و دیگ و پایه می‌گذاشتند و آش سـلامتی برای امام و رزمنـدگان می‌پختند و از آن طرف به ما هم کاسـه و پول توجیبی می‌دادند تا بیاییـم در صف بایسـتیم و از آش خوشـمزه دسـتپخت مادران خودمان بخریم و آخر سر پول جمع‌آوری‌شده را به‌عنوان کمک به جبهه بفرستیم.

کمک به محرومان

شهرک شـهید باهنر را تعاونی مسـکن معلمان سـاخته بود و همه آموزش و پرورشی بودند، ولی به‌دلیل جنگ روستاهایی که در دل جنگ بودند به اطراف شهرک مهاجرت کرده و برای خودشان سرپناهی ساخته بودند؛ روستایی‌هایی که نه زمین کشاورزی داشتند و نه دام، ولی عزت داشتند و آبرو. حالا وظیفه ما بود بدون اینکه شأن آنها زیر سؤال برود در کنار آنها باشیم.

همه‌چیز را با هم شریک شده بودیم خورد و خوراک تا لباس و پوشاک؛ چون هم‌محله‌ای‌های جدیدمان از عزیزان عرب‌زبان بودند همسایه‌های عرب واسطه خیر می‌شـدند تا حرمت‌ها بیشـتر حفظ شود. محرومان محل را پایگاه شناسـایی کـرده بود و کمک‌هایی را که می‌آمد بین آنها توزیع می‌کردیم. یک شـانه تخم‌مرغ و مقداری روغن و ماکارونی، یک قوطی رب گوجه در آن روزهای سخت جنگ برای یک خانواده مسـتضعف یا بدون سرپرست کیمیا بود.

صف انتظار

مدتی که از جنگ گذشـت جبهـه رفتن نظم و انضباطی پیدا کرده بـود و دیگر اجـازه اعزام به نوجوانـان نمی‌دادند و مراقبت می‌کردند کسـی زیرآبی نرود و خودش را به خط برساند؛ البته قضیه ما در شهرهایی که خودشان تبدیل به جبهه شده بودند، فرق می‌کرد.

پذیرفته بودیم پشت جبهه کار و تمرین و مانورهای آمادگی را سپری کنیم و آموزش ببینیم تا نوبتمان بشود. شهیدعبدالله اسـکندری در نبود سازوکار بسیج نوجوانان تشکیلات منسجم لشکر قدس را طراحی و اجرا کرده بود. یک آرمان آرامش‌بخش برای ما شکل گرفته بود؛ فتح کربلا با بزرگ‌ترها، ولی فتح قدس با ماست.

بزرگ‌ترهای ما که تازه بالغ شده بودند، می‌رفتند جبهه و ما با حسرت نگاهشان می‌کردیم و هر بار که مجروح و شهید می‌دادیم پایگاه و مسجد چند مرحله بالاتر می‌رفت. وقتی می‌خواستیم مساجد را با هم مقایسه کنیم از روی تعداد شهدا در مورد آنها قضاوت می‌کردیم؛ رقابتی سخت و نفس‌گیر بود. آن سال‌ها هیچ فیلم و سریالی برای ما روایت فتح نمی‌شد. شهیدآوینی دنیای ما را ترسیم می‌کرد. حس می‌کردیم در مورد ما حـرف می‌زند و فکر می‌کردیم او نسل ما را فهمیده و به تصویر کشیده است. با جنگ قد می‌کشیدیم و بزرگ‌تر می‌شدیم و صف انتظار برای اعزام برایمان کوتاه‌تر می‌شد. فکر اینکه روزی بمانیم و تصویر دوستان و مربیانمان را در قاب‌های عکس بهشت‌آباد اهواز تماشا کنیم برایمان قابل پذیرش نبود.

عشق به امام

در غیاب امام زمان(عج) هیچ‌کـس را مثل امام دوست نداشـتیم. به عکس او که نگاه می‌کردیم قدرت می‌گرفتیم. حس داشتن یک رهبر شجاع و دوست‌داشتنی حس بسیار زیبایی بود.

امام حاکم مطلق عقل و جان ما بود. به او عشـق می‌ورزیدیم. او ما را تربیت کرده بـود. او با هیچ رهبر دیگری در دنیا قابل مقایسه نبود. او ما را از دل ظلمت حاکم بر جهان معاصر و خیل بشریت حیران و سرگردان نجات داده بود. او امتی آگاه با ضمیر روشن پدید آورده بود که معادلات دنیایی مادی را به چالش کشیده بودند. معجزه امام تربیت انسـان‌های بزرگی بود که هرکدام قدرت تغییر اطراف خودشان را داشـتند و به اقتضای زمان و مکان این موهبت شکوفا می‌شد.

تصویر امام که در تلویزیون می‌آمد، سرتاپا گوش می‌شدیم؛ مثل نوشـیدن آب از سرچشمه زلال یک چشـمه جمله‌جمله او را جرعه‌جرعه سـر می‌کشیدیم. به امام که نگاه می‌کردیم ناخودآگاه گریه می‌کردیم و از تمام وجود دعا می‌کردیم که از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا...

بهشت مسجد

خلاصه پایگاه و مسـجد یک بهشت کوچک بود برای نوجوانی ما که خاطرات آن را هرگز فراموش نمی‌کنم، ولی طنز ماجرا آنجا بـود که برخی از آشنایان از پدر و مادرمان سؤال می‌کردند چقدر حقوق می‌گیرند که این همـه وقت می‌گذارند، بی‌خبر از آنکه ما برخی هزینه‌ها را هم باید از پول توجیبی خودمان و کارگـری روزانه و روزه و نماز اسـتیجاری تامین می‌کردیم، ولی توضیح این مطالب کار را سخت‌تر می‌کرد و باورپذیر نبود.

نمی‌دانم الان حال و هوای پایگاه‌های بسیج چطور شـده و آیا نوجوانان ما هم مثل هم‌نسـلی‌های ما بـرای حضور در پایگاه باید شـرایط سـخت پدرومادرها را تحمل کنند یا شکل دیگری یافته. مسجد و پایگاه بسیج ما را تربیت کرد، ما را بزرگ کرد. ما بیشتر از مدرسه و دانشگاه، در پایگاه درس آموختیم و راه و رسم زندگی یاد گرفتیم. در جنگ یک نسل در حال جنگ بود و نسل دیگر در حال تربیت شدن.

مسـاجد و پایگاه‌هـای بسـیج بزرگ‌تریـن دانشگاه‌های کادرسـازی انقلاب اسلامی بودند. هنوز هم بهترین و سـختکوش‌ترین مدیران این سـرزمین متعلق به دوران دفاع‌مقدس هستند، ولی برای فردا باید فکری کرد.

البته در غیاب مساجد و پایگاه‌های بسیج آن زمان گروه‌های جهادی و اربعینی‌ها و راهیان نوری‌ها و... جریان‌های جدیدی در تربیت نیروی انسانی انقلابی و جهادی ایجاد کرده‌اند، اما برای فتح قله ایران قوی و پیشرفته تلاش‌های بسیار بیشتری باید کرد.

اولین آن احیای مسـاجد و پایگاه‌های بسـیج نوجوانان و هیئت‌های مذهبی به سبک جهادی و مردمی است؛ برای مسئولیت‌پذیری و نقش‌آفرین بـودن در زندگی مـردم و قبول مسـئولیت در پیشرفت ایران قوی.

اصل ماجرا

بزرگ‌ترین برکناری فرماندهان نظامی اسرائیل پس از ۱۹۷۳

از دل بزرگ‌تریـن شکسـت اطلاعاتی-عملیاتـی رژیـم صهیونیستی، حالا دوباره زلزله‌ای در ستاد ارتش به‌پا شده است. ۲ سال پس از عملیات طوفان‌الاقصی و شوک ۷ اکتبر، تل‌آویو بار دیگر موج تازه‌ای از اخراج ژنرال‌ها را کلید زده اسـت. این بزرگ‌ترین پاکسازی فرماندهی در تاریخ ارتش صهیونیستی از سال ۱۹۷۳ محسوب می‌شود.

گفته شده ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش پس از دریافت گزارش درباره زنجیره خطاهای اطلاعاتی، دسـتور برکناری گروهی از فرماندهان ارشـد را صادر کرده اسـت. همزمان تذکرات شـدیدی به فرماندهان بلندپایه‌ای چون تومر بار و شـلومی بایندر نیز داده شده است. این پاکسـازی در حالی ادامه دارد که شکست ۷ اکتبر همچنان سایه سنگینی بر ساختار امنیتی رژیم صهیونیستی انداخته و صهیونیست‌ها از آن زمان به قیمت شهادت بیش از ۶۹ هزار فلسطینی و زخمی‌شدن ۱۷۰ هزار نفر هنوز نتوانسته‌اند اعتبار از دست‌رفته‌شان را بازیابند. برخی از فرماندهان برکنارشده عبارتند از:

■ **آهارون هالیوا**، رئیس سابق اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل (امان)
■ **یارون فینکلمن**، فرمانده پیشین جبهه جنوبی ارتش
■ **اودی باسیوق**، رئیس پیشین بخش عملیات ارتش
■ **آوی روزنفلد**، فرمانده پیشین لشکر غزه

از طوفان‌الاقصی تا امروز (نوامبر ۲۰۲۵)، حداقل ۱۵ فرمانده و مقام ارشد صهیونیسـتی به‌دلیل شکست اطلاعاتی و امنیتی برکنار، اخراج یا وادار به اسـتعفا شـده‌اند. خلاصه مهم‌ترین موارد عبارتند از:

■ **هرتزی هالوی**، رئیس ستاد کل ارتش: استعفا (ژانویه ۲۰۲۵)
■ **یارون فینکلمن**، فرمانده سـتاد جنوبی: استعفا و اخراج از ذخیره (ژانویه-مارس ۲۰۲۵)
■ **آهارون هالیوا**، رئیس اطلاعات نظامی: استعفا (آوریل ۲۰۲۴)
■ **یوسی ساریل**، فرمانده واحد ۸۲۰۰: استعفا و اخراج از ذخیره (۲۰۲۵-۲۰۲۴)
■ **هائیم کوهن**، فرمانده تیپ شـمالی غزه: استعفا و اخراج از ذخیره (مارس-آوریل ۲۰۲۵)
■ **سر تیپ گیمل**، رئیس بخش عملیاتی اطلاعات نظامی: اخراج کامل (نوامبر ۲۰۲۵)
■ **سـرهنگ «الف»**، افسـر اطلاعات تیپ غزه: اخراج کامل (نوامبر ۲۰۲۵)
■ **اودد باسیوک**، رئیس اداره عملیات: توبیخ شدید و احتمال اخراج (نوامبر ۲۰۲۵)
■ **شلومی بایندر**، رئیس فعلی اطلاعات نظامی: توبیخ شدید (نوامبر ۲۰۲۵)
■ **تومر بار**، فرمانده نیـروی هوایی، اخراج یا توبیخ شـدید (نوامبر ۲۰۲۵)
■ **یـو آو گالانت**، وزیر جنگ سـابق: اخراج توسـط نتانیاهو (نوامبر ۲۰۲۳)
■ **۲ ژنرال ارشد ناشـناس به همراه چند افسر دیگر**: اخراج یا توبیخ (۲۰۲۵-۲۰۲۴)

جدول اعداد | ۵۱۹۶

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

ساده

	۶					۸	۳	
۲	۵		۸	۹		۷		
		۴	۱		۷	۹		
۷	۹			۵	۱			
۱			۷		۶			۴
			۲	۸			۷	۳
		۶	۳		۲	۴		
		۹		۴	۵		۱	۲
	۳	۲					۵	

سخت

					۶			
				۱	۵		۸	
	۴	۱	۲					
۲	۶							
	۳	۸				۴	۲	
							۵	۷
					۸	۲	۹	
	۷		۴	۹				
			۳					

متوسط

۳			۶			۵	۸	
			۸					۹
		۹		۷		۴		
	۶	۲			۵			
۱								۴
			۹			۲	۳	
		۷		۴		۱		
۵					۷			
	۹	۶			۱			۷

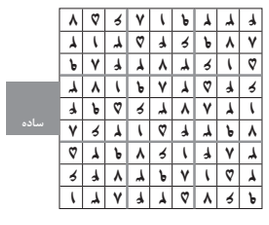

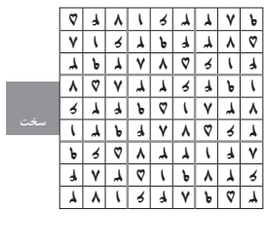

جدول ۹۵۴۸

افقی:

۱- درخواست- خودخواهی- بشقاب پرنده
۲- آلبومی با آواز علیرضا قربانی و آهنگسـازی علی قمصری- پدیده ناشی از تخلیه الکتریکی بین دو قطعه ابر
۳- خرگـوش عـرب- دارای تقدس- جغد
۴- درنده جنگلی- یکی از پنج آواز موسیقی سـنتی ایرانی- سلول جنسی ماده
۵- دستور شروع فیلمبرداری- مثنوی سروده شیخ بهایی- عید ویتنام
۶- فتنه- ذخیره- قاضی ورزشی
۷- تـلـف کـردن زمـان- گندمگون- کیفر
۸- پارکینگ- بلوز تابسـتانی آستین کوتاه
۹- پدران- اشـاره به نزدیک- متولد شده
۱۰- دهمین سوره قرآن- زبانه آتش- پرنده‌ای وحشی
۱۱- ناپایدار- لبریز و سرشار- زندانیان جنگی
۱۲- پول گرجستان- نیکورو- مقابل شب
۱۳- تلمبه- سقف فرو ریخته- تاریخ‌نگار
۱۴- از آثار محمدعلی جمالزاده، پدر داستان‌نویسـی ایران- از تیم‌های فوتبال بوندس‌لیگای آلمان
۱۵- نتیجـه گـرفته‌شـده- بشارت‌دهنده- حزن

عمودی:

۱- خدا را بـه پاکی یاد کردن- لوازم- موی گوسفند
۲- فرورفتـه- کاغذفـروش- سنگین‌وزن‌ترین پرنده خانگی
۳- رمانی نوشته رضا براهنی- اپرای کوچک
۴- زیان- پرنـده‌ای از خانواده گنجشـک- افسـانه- دندانه سوهان
۵- لوله باریک در سـاقه گیاه- خارجی‌ترین قسمت پوست- برگشتن
۶- اندام تنفسـی ماهـی- شبه‌جزیره‌ای نزدیک سیبری- نوعی تسهیلات بانکی
۷- بدن- گرم‌ترین سیاره- نامی دخترانه- نزاکت
۸- عریضه‌نویس- بلندآوازه
۹- الکتریسـیته- واحد طول روسی- مات و مبهوت- قومی ایرانی
۱۰- تندر- نوعی پیراهن زنانه- از مرکبات
۱۱- دفتـر حسـاب روزانه- رستگاری- فریاد شادی
۱۲- ضمیری انگلیسـی- اندیشـه- از مشهورترین اشـعار نیما- قسمت مهم و اساسی
۱۳- وسـیله‌ای برای برقـراری ارتباط تصویری اینترنتی- کنایـه از آنکه بدون توجه به گفته دیگـران و طبق میل خود عمل می‌کند
۱۴- قند میوه- دوا- ورزش کبدی
۱۵- اقدامی خوب برای انفاق و تعاون در جامعه- دوبیتی محلی- روزگاران

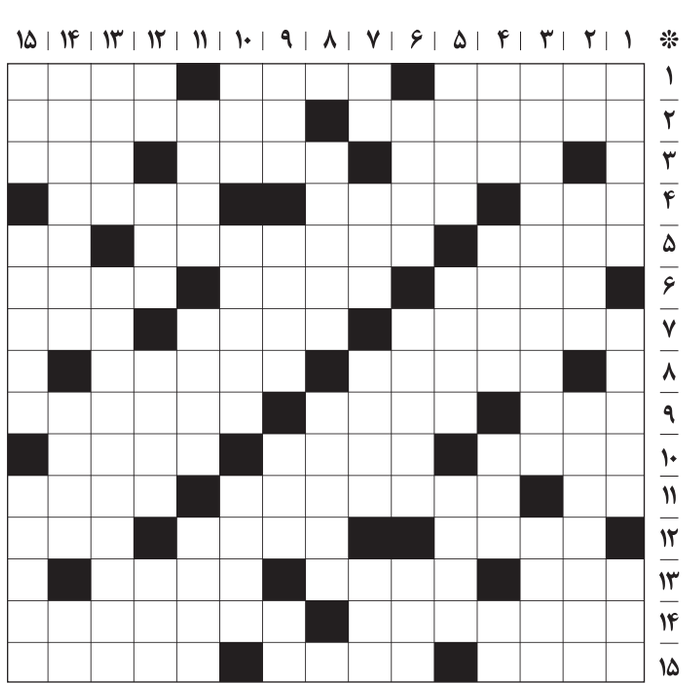

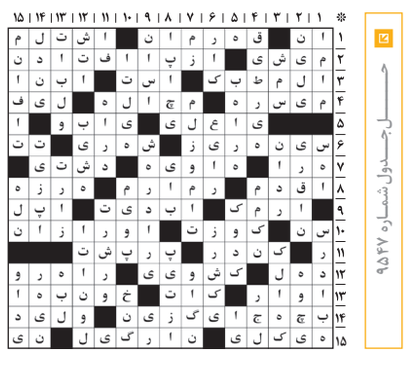

حل جدول شماره ۹۵۴۷